

چکیده بیانات مقام معظم رهبری در پیام

نوروزی و سخنرانی روز اول فروردین

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۶ هجری شمسی، با تبریک ولادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و عید نوروز به همه‌ی هم‌میهنان و ایرانیان بویژه خانواده‌های معظم شهیدان و ایثارگران و با آرزوی سالی همراه با برکت، امنیت و رفاه برای مردم ایران و مسلمانان جهان، سال جدید را سال «اقتصاد مقاومتی: تولید- اشتغال» نام‌گذاری کردند. «همت جوانانه» و «حرکات مؤمنانه فراگیر» دو شاخص در ارزیابی موفقیت‌ها و پیشرفت‌های ملت ایران بود که رهبر انقلاب اسلامی به آن اشاره و خاطرنشان کردند: مشاهده و اطلاع از فعالیت‌های پر شور و مبتکرانه‌ی علمی، فرهنگی، تولیدی و ورزشی هزاران گروه جوان در سراسر کشور و برگزاری جلسات و فعالیت‌های گرم و گیرای دینی، از جمله نقاط مثبت و شادای آفرین برای کشور و ملت ماست. حضرت آیت الله خامنه‌ای سپس تلخی‌ها و سختی‌های سال قبل را مربوط به مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم بویژه طبقات ضعیف و متوسط دانستند و افزودند: من از وضع مردم مطلع هستم، بنابراین تلخی کام مردم به‌ویژه طبقه ضعیف را از مشکلات اقتصادی همچون «گرانی، بیکاری، تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و آسیب‌های اجتماعی» با همه‌ی وجود حس می‌کنم. رهبر معظم انقلاب در اجتماع عظیم زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (علیه‌السلام)؛ نیز افزودند: کشور بن‌بست ندارد، راه حل مشکلات مردم مدیریت انقلابی و کارآمد است. ایشان، «مسائل معیشتی و اقتصادی» و «انتخابات» اردیبهشت ماه را دو موضوع مهم سال جدید خواندند و بر ضرورت حل همه‌ی مشکلات کشور در سایه‌ی «مدیریت‌های متدین، انقلابی، کارآمد و پراگنده» تأکید نمودند. رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: هرگاه مدیریت انقلابی، فعال و پرتحرک داشتیم، کارها پیش رفته است و هر جا مدیریت‌های ضعیف، بی‌حال، ناامید، غیرانقلابی و بی‌تحرک داشتیم، کارها متوقف یا منحرف شده است، بنابراین باید مدیران، افرادی با انگیزه‌تر و کارآمدتر باشند و تلاش بیشتری انجام دهند و بحول و قوه الهی اینگونه نیز خواهد شد. رهبر انقلاب اسلامی، «بیکاری بخصوص بیکاری جوانان تحصیل کرده» و «مشکلات معیشتی مردم بویژه طبقات ضعیف» را دو مشکل اصلی در عرصه‌ی اقتصادی برشمردند و گره اصلی مشکلات اقتصادی کشور را «رکود تولید» و «بیکاری» عنوان کردند. ایشان به ابزار کار پیشرفته جهت رونق تولید اشاره کردند و گفتند: برخی می‌گویند ما ابزار مدرن برای رونق گرفتن تولید را نداریم اما من می‌گویم آن دانشمندان جوان ایرانی که توانستند در مدت کوتاهی، غنی سازی اورانیوم را از ۳،۵۰ درصد به بیست درصد برسانند و کار بزرگی را انجام دهند، و همچنین موفق به اقدامات شگرف در ساخت تجهیزات دفاعی و موشکی با وجود تحریم‌های سخت بین‌المللی شدند و دشمن صهیونیست را به تعجب و تحسین واداشتند، قطعاً می‌توانند در مسیر ساخت ابزار پیشرفته برای تولید قدم بردارند. ایشان تأکید کردند: اگر ما میدان را برای جوان‌ها باز کنیم، بسیاری از گره‌ها باز خواهند شد و تأکید چندین ساله و مکرر برای همکاری دانشگاه و صنعت در همین چارچوب است. رهبر انقلاب اسلامی، شرکت عمومی و حضور همه‌ی واجدان شرایط را در روز رأی‌گیری، خواسته‌ی اصلی و مهم خود اعلام و تأکید کردند: همه وارد شوند و انتخابات پرشوری را رقم بزنند. ایشان با تأکید بر ضرورت عمل به مَرّ قانون در انتخابات، نتیجه رأی ملت را هر چه که باشد معتبر و قانونی خواندند و افزودند: اینجانب هیچ گاه در انتخابات دخالت نمی‌کنم و نمی‌گویم مردم به چه کسی رأی بدهند یا ندهند.

ویژه نامه (۵-۸) مراسم اعتکاف مسجد دانشگاه تربیت مدرس



۳ نوروز؛ همراه با دانشجویان غیر ایرانی



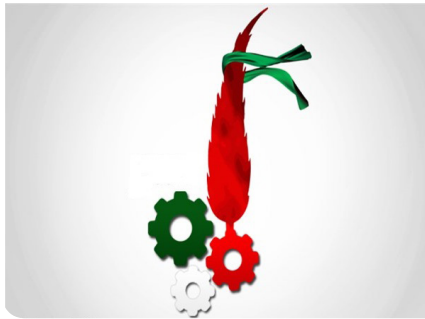
مراسم جشن تحویل سال و روز طبیعت با حضور دانشجویان غیرایرانی و خانواده آنها توسط معاونت دانشجویی دانشگاه و کانون بسیج اساتید دانشگاه تربیت مدرس برگزار گردید.

۲ جشنواره حرکت؛ گامی به سوی خلاقیت

برای سومین سال متوالی دانشگاه تربیت مدرس موفق به برگزاری جشنواره حرکت در سطح کیفی مناسبی شد که استقبال رییس، معاونان و مسئولان را در پی داشت.



۹ اهمیت موفقیت شناسی اقتصاد مقاومتی



موفقیت اقتصادی در گرو اجرایی کردن سیاست‌های آن، به جای برخورد شعارگونه با آن است. در این نوشتار، اقدامات پیشنهادی در سطوح مختلف مطرح شده است.

۴ هنر مصلحانه، هنر مفسدانه

هستند هنرمندانی که از ایرانی و یا اسلامی بودنشان جز پوسته‌ای نموده و بطن آنان از محتوای همسو با تفکرات نویسنده و سیاست چپ‌های غرب پر شده است.



۱۲ نفوذ فکری، برگ برنده جنگ جهانی دوم



اکنون بجز اعضای دائم شورای امنیت خودساخته؟! و دارای حق و تسووفاتحان جنگ دوم جهانی که همگی سلاح هسته‌ای دارند، تنها هند و پاکستان و کره شمالی به‌طور رسمی سلاح هسته‌ای دارند

۱۱ ارتش؛ کلمه طیبه

بالاخره مقاومت نیروهای خودی کارساز شد و دشمن در منطقه‌ی مزبور، دیگر قادر به پیشروی نبود و هرگونه تحرک مذبحانه دشمن با ناکامی مواجه شد.





گزارش

گامی به سوی خلاقیت

در بخش رقابتی ترویج، انجمن های علمی -

دانشجویی طراحی شهری، علوم تربیتی و مهندسی مکانیک را به عنوان انجمن های علمی-دانشجویی برگزیده، قابل تقدیر و قابل تشویق معرفی کرد و در حوزه رقابتی برنامه برتر خلاقانه نیز انجمن مدیریت فناوری و اطلاعات به عنوان انجمن برگزیده، انجمن آموزش بهداشت و ارتقای سلامت به عنوان انجمن قابل تقدیر و انجمن جغرافیای سیاسی به عنوان انجمن قابل تشویق شناخته شدند؛ در بخش نشریات دانشجویی نیز انجمن های علمی-دانشجویی باستان شناسی، علوم سیاسی و زبان و ادبیات عربی به ترتیب به عنوان انجمن های علمی-دانشجویی برگزیده، قابل تقدیر و قابل تشویق معرفی شدند. در بخش کتاب، انجمن ویروس شناسی پزشکی به عنوان انجمن برگزیده و انجمن مطالعات زنان قابل تقدیر شناخته شدند و سرانجام در بخش برنامه جنبی برتر جشنواره، برنامه های انجمن های علمی-دانشجویی باکتری شناسی، ژنتیک پزشکی، زبان روسی، طب افغانستان و مکانیک بیوسیستم به عنوان برنامه های برگزیده مورد تقدیر قرار گرفت.

برای سومین سال متوالی دانشگاه تربیت مدرس موفق به برگزاری جشنواره حرکت در سطح کیفی مناسبی شد که استقبال رییس، معاونان و مسئولان دانشگاه را در پی داشت.

از بین ۱۰۵ انجمن علمی دانشجویی فعال دانشگاه، ۲۰ انجمن در حوزه های مختلف رقابتی به عنوان انجمن های برتر به ترتیب زیر شناسایی و معرفی شدند: در حوزه برترین انجمن دانشگاه، انجمن علمی- دانشجویی معماری به عنوان انجمن برگزیده و انجمن علمی- دانشجویی مطالعات زنان به عنوان انجمن قابل تقدیر معرفی شدند. در حوزه رقابتی آموزش، انجمن های علمی- دانشجویی مهندسی برق و کامپیوتر، آمار و بیوفیزیک به ترتیب به عنوان انجمن های علمی-دانشجویی برگزیده، قابل تقدیر و قابل تشویق شناخته شدند. همچنین هیات داوران



حمید مطهری

سر دبیر



همت جوانانه

سال ۱۳۹۶ آغاز شد، سالی جدید با آرزوهای جدید. بهترین سرآغاز دعای خیر و آرزوی سلامتی، سعادت، شادی، موفقیت و پیشرفت مادی و معنوی برای تمام ملت ایران و مخصوصا جامعه دانشگاهی اعم از دانشجویان، اساتید و کارکنان محترم دانشگاه تربیت مدرس از درگاه خدای یکتا است. ایام آغازین سال نو و روزهای پیش رو رخدادها و مناسبت های فرهنگی، مذهبی، تاریخی، ملی، نظامی، سیاسی و حتی علمی زیادی داشته و خواهد داشت که از درگاه خداوند منان آرزوی موفقیت همه ی ملت شریف ایران خصوصا جامعه دانشگاهی عزیز را در همه این عرصه ها خواستاریم.

همچنین درخواست می نمایم تا همه عزیزان اعم از دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه در سال جاری دیدگاه ها، تحلیل ها، یادداشت ها و تفکرات ارزنده خود را جهت انعکاس و اطلاع رسانی عمومی برای نشریه چشمه ارسال نمایند. امیدوارم خیرهای موفقیت تک تک دانشجویان عزیز، اساتید معزز و کارمندان خدمت دانشگاه تربیت مدرس را نیز در سال جاری از طریق نشریه چشمه منتشر و به آگاهی جامعه علمی کشور برسانیم و تلاش وافر در این زمینه از جنس همت جوانانه ای که رهبر انقلاب بیان نمودند داشته باشیم. این انعکاس فعالیت های جوانان کشور از جنس همتی است که مقام معظم رهبری بیان نمودند: «اطلاع از فعالیت های هزاران گروه جوان در سرتاسر کشور دارم، که به فعالیت های پرشور خود، چه در زمینه های علمی، چه در زمینه های فرهنگی، چه در زمینه های ورزشی، چه در زمینه های تولیدی، سرگرم هستند و اشتغال دارند، کارهای نو و ابتکارهای نویی را دارند ارائه می دهند و برای آینده ی کشور ذخیره فراهم می کنند». امیدوارم به بیان رئیس محترم جمهور «سال جدید، سال پیشرفت بیشتر برای ملت عزیز و اشتغال بیشتر برای جوانان ما» باشد.

دکتر محمدتقی احمدی

ریاست دانشگاه



حلول سال نو و بهار طراوت را که نشانه قدرت لایزال الهی و تجدید حیات طبیعت می باشد، به تمامی عزیزان تبریک و تهنیت عرض می نماید امید است در پرتو الطاف بیکران خداوندی و به توفیق و مدد حق تعالی سالی سرشار از برکت و معنویت و موفقیت، سلامت و بهروزی، طراوت و شادکامی، عزت و کامیابی را پیش رو داشته باشید.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر فلاح رفیع

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه



به نام هستی بخش هستی

باغ و بهار را بگو لاف خوشی چه می زنی
من بنمایم خوشی گر برسد بهار من
یا مقلب قلب ما آباد کن
یا محول حال ما را شاد کن

فرا رسیدن بهار نشانه ای از رستاخیز بی پاییز جهان هستی است. در این سرآغاز حیات مجدد طبیعت فرصت را مغتنم می دانم تا ضمن تبریک سال جدید، از خدای منان نشاط و شادابی و طراوت را همراه با سعادت و خوشبختی برای شما و خانواده محترم خواستار باشم. به امید فرارسیدن بهار جانان و خورشید تابان از مشرق ایمان.

دکتر امین ناصری

معاون فرهنگی و اجتماعی



بر چهره ی گل نسیم نوروز خوش است
برای همه دانشگاهیان سالی سرشار از امید
و نشاط از درگاه حضرت حق آرزو دارم.

دکتر یعقوب فتح الهی

معاون پژوهشی



حلول سال نو و بهار طراوت را که نشانه قدرت لایزال الهی و تجدید حیات طبیعت می باشد، به تمامی عزیزان تبریک و تهنیت عرض می نماید امید است در پرتو الطاف بیکران خداوندی و به توفیق و مدد حق تعالی سالی سرشار از برکت و معنویت و موفقیت، سلامت و بهروزی، طراوت و شادکامی، عزت و کامیابی را پیش رو داشته باشید.

دید و بازدید نوروزی دانشگاهیان

مراسم دید و بازدید نوروزی دانشگاهیان در سالن تربیت بدنی دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. در این مراسم که با حضور رییس دانشگاه دکتر احمدی و مسئول نهاد رهبری حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر فلاح رفیع برگزار گردید، اعضاء هیأت علمی و کارکنان دانشگاه ضمن دیدار و ملاقات حضوری، سال جدید و نیز مصادف بودن آن با ایام معنوی ماه رجب را در فضایی صمیمی به یکدیگر شادباش و تبریک گفتند.



نوروز دانشجویان غیر ایرانی

مراسم جشن تحویل سال ۱۳۹۶ و روز طبیعت با حضور دانشجویان غیرایرانی و خانواده آنها توسط معاونت دانشجویی دانشگاه - دفتر امور دانشجویان غیر ایرانی و کانون بسیج اساتید دانشگاه در روزهای دوشنبه ۳۰ اسفندماه ۱۳۹۵ و ۱۳ فروردین ماه ۱۳۹۶ در دانشگاه تربیت مدرس برگزار گردید.

با توجه اهمیت تبادلات علمی بین المللی و هدف دانشگاه تربیت مدرس در جهت بین المللی شدن، حضور بیشتر دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاه برای تحقق این هدف بسیار مهم است. برای ایجاد جذابیت در دانشگاه برای حضور دانشجویان غیر ایرانی لازم است بستر مناسب در دانشگاه فراهم گردد. علاوه بر ارتقاء سطح علمی دانشگاه و نهادینه کردن فرهنگ پذیرش دانشجویان غیر ایرانی توسط

اعضای محترم هیأت علمی، دانشجویان و کارمندان دانشگاه، از آنجا که این دانشجویان دور از والدین زمان زیادی در کشور عزیزمان بسر می برند لازم است در خصوص مسائل رفاهی و معیشتی دانشجویان نیز اقداماتی انجام شود. در این راستا هر ساله معاونت دانشجویی دانشگاه - دفتر امور دانشجویان غیر ایرانی و کانون بسیج اساتید دانشگاه برنامه متنوعی برای دانشجویان غیر ایرانی برگزار می کنند. یکی از این برنامه ها مراسم جشن تحویل سال ۱۳۹۶ و دیگری روز طبیعت می باشد که در ۱۳ فروردین ماه برگزار شده و بیش از ۱۵۰ نفر از دانشجویان غیرایرانی به همراه خانواده آنها از کشورهای افغانستان، سوریه، لبنان، سنگال، بنگلادش، سریلانکا، یمن، و حتی تعدادی از وابستگان فرهنگی سفارت‌های کشورهای خارجی در تهران در این مراسمها شرکت می کنند. در برنامه جشن تحویل سال، سفره هفت و غذاهای متنوع از کشورهای مختلف و کشور عزیزمان که توسط دانشجویان و خانواده ها با حمایت مادی دانشگاه تهیه شده است، قرار دارد.



گم کرده راه

الهی ز دو دنیایت یک زبان بهر تسبیحت مرا بس، بیش از این شرمم مده ...

کند. سخن از مادیت نیست. چیزی فراتر تو را به این جا کشانده است. یادت است که در گل وجودت دمیده شد! دمیدن سرآغاز حیات است، نه مادی، که معنوی است. سرآغاز دیدن است و شنیدن ... سجاده‌ها را پهن کن. تسبیحات را بردار ... نیمه‌های شب است. اسماعیل وجودت را قربانی کن، همه چیز در اطاعت محض است و ایصال الی الامطلوب نهایت توست و این مطلوب خداییست که مهمانش شده‌ای.

آدم که باشی، جوان که باشی و شاید دانشجو که باشی، دلت پر می‌زند برای معنایی متفاوت از زندگی، از حقیقت، از بندگی ... از اینکه بند دلت را گره بزنی به آستان بندگی‌اش. می‌خواهی از همه دل بکنی، از همه چیز و همه کس. حال، خودت هستی و سجاده‌ی پهننت که فضای زیستن توست. اما به نظر می‌آید که نتوان نام زیستن بر آن گذاشت. آخر، ماجرا که مادی نیست؛ که چه جای انکار که مگر می‌شود جسم در بند امیال و آرزوهای دنیایی، این اندک جا و اندک خواب و اندک خور را مهمانی فرض

ای دل! معتکف شدنت مبارک ...

آیا از خود برون آمدی؟ به که پیوستی؟ به چه پیوستی؟

آری، هنگامه‌ی وصال است. در روبرو یار است و در پشت سر نیز ... این‌ها همه دل‌تنگی است و بدان که اینجا نماز و روزها‌ت عباداتی مجزایند و تنها حضورت در خانه‌ی یار که معتکف خوانده شدی، خود ارزشمند است و جای بسی افتخار. اما حال که آمده‌ای و عبادات مخلصانه خود را تنها داشته‌ات می‌دانی، دستان نیازت را بالا ببر و به درگاهش، عذر دوری و معصیت خود را عرضه دار و به یاد بیاور که نیازمند العفو هستی و استغفار ...

خاطرت هست که چه میزان توبه کردی و شکستی! اما باز برگشتی و پیوستی ...!

میاد آن زمان که ناامید شوی که او هست و تو اب است، آن هم زمانی که در ایام خودش هستی. رجب که فرا می‌رسد انگار فرشتگان ارض و سماوات مدام طنین این‌الرجیبون سر می‌دهند که کجايند آنان که میهمان خدایند در ماه خدا.

و ه که میهمانی شدن چه خوش است، آن هم، زمانی که مقصد خانه‌ی یار است و مقصود وصال یار ...

افق

محبوبه سعدی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس

سرآغاز دیدن است و شنیدن ... سجاده‌ها را پهن کن. تسبیحات را بردار ... نیمه‌های شب است. اسماعیل وجودت را قربانی کن، همه چیز در اطاعت محض است و ایصال الی الامطلوب نهایت توست و این مطلوب خداییست که مهمانش شده‌ای.

آرام آرام، بی آن که صدایی از سکوت‌مان به گوش کسی برسد، گرداگرد رحمت بی‌شائبه‌اش آمده‌ایم. گاه‌گاهی عقده‌از دل می‌گشاییم و از برایش دل‌تنگ می‌شویم؛ آن زمان است که اشک در پهنه‌ی صورت جایی برای سرازیر شدن می‌جوید. آری همین است. بگذار اشک جاری شود. اصلاً پاکش نکن. آیا آن هنگام که آبی سرد بر چهره می‌ریزی را می‌توانی تصور کنی که چگونه در جستجوی، طراوت آبی رنگ حیات هستی. اکنون هم همان است. نمی‌دانی چه مشتاق می‌شوی آن زمان که اشک به پهنای صورت می‌ریزی و تنها اوست که می‌یابد و می‌بیند.





نگاه

حسین فقیهی

کارشناسی ارشد ارتباط تصویر دانشگاه تربیت مدرس

هنر مصلحانه و هنر مفسدانه

۲- عدم جدایی اثر خلق شده با فرهنگ خالق آن و همچنین ارتباط و اثرگذاری علوم انسانی مان و تفکرات و فرهنگ حاکم بر هنرمندان.

ادامه دارد ...

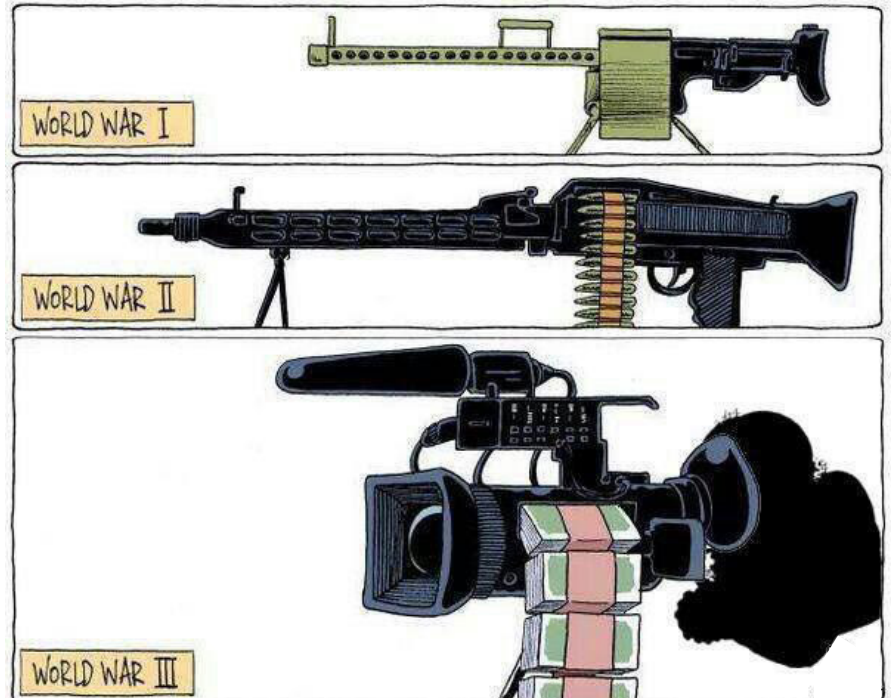
مصادیق بسیاری را در عرصه‌های مختلف می‌توان برشمرد از جمله همین بهانه‌ی آغازین سطور پیش‌رو که در یک کتاب حدوداً صد و بیست صفحه‌ای، مطالب قابل‌توجهی از کتاب، صرفاً معرفی هنرمندانی شده که مثلاً در جهت حمایت از همجنس‌بازان، خلق اثر کرده‌اند و نیز هنرمندانی که در جهت جا انداختن یک مقوله-کوره‌های آدم سوزی- که تناسب آن را برای هدفی خاص به‌هم‌ریخته تا حقیقتی را انکار نمایند، آثاری آفریده‌اند و همچنین شناساندن کسانی که شدیداً و قویاً در آثارشان تفکرات ضد دینی و ضد فطری موج می‌زند و اگر هم قرار است از هنرمند ایرانی و یا مسلمان در این کتاب نام‌برده شود به ذکر نام و معرفی هنرمندانی می‌پردازد که پا بر روی ارزش‌های دینی و ملی و یا تقیدات‌شان نهاده‌اند و از ایرانی و یا اسلامی بودنشان جز پوسته‌ای نموده و بطن آنان از محتوای همسو با تفکرات نویسنده و سیاست جبهه‌ی غرب پرشده است.

و همچنین شناساندن کسانی که شدیداً و قویاً در آثارشان تفکرات ضد دینی و ضد فطری موج می‌زند و اگر هم قرار است از هنرمند ایرانی و یا مسلمان در این کتاب نام‌برده شود به ذکر نام و معرفی هنرمندانی می‌پردازد که پا بر روی ارزش‌های دینی و ملی و یا تقیدات‌شان نهاده‌اند و از ایرانی و یا اسلامی بودنشان جز پوسته‌ای نموده و بطن آنان از محتوای همسو با تفکرات نویسنده و سیاست جبهه‌ی غرب پرشده است.

نکند که هنرمندان ما را به هر آنچه در بیرون از این مرزهاست مسحور ساخته باشند طوری که سبقه‌ی دیرینه‌ی والای خود را به فراموشی سپرده باشند و آینده‌ی تأثیرگذار فرهنگ و ملیت خود را نبینند و جرئت مناقشه در رویکردهای غربی را پیدا نکرده و پا بر روی فرهنگ و اعتقاداتشان نهاده، مجال نظریه دادن برخلاف نظریات و تفکرات باطل را نیابند درحالی‌که زمانی هنرمندان این دیار به مهارت، جدای از معرفت نمی‌پرداختند و تکنیک و محتوا را ممزوج می‌نگریستند.

اگر بسیار خوش‌بینانه و با دیده‌ی اغماض به رویکردهای هنری غرب مخصوصاً هنر حال حاضر، در ظرفیت‌های مختلف بیانی‌اش و هدف آشکار و آگاهانه‌ی آنان در تقابل با ارزش‌هایمان بنگریم؛ هرچند که جبهه‌ی واضح در آثارشان پیداست- از سینمای هالیوود گرفته تا معیارهای انتخاب آثار در جشنواره‌های مختلف هنری و غیرهنری- و بازهم اگر همه‌ی مواضع علنی و کمر همت بر ریشه کن کردن ارزش‌های انسانی بسته‌ی آنان را نادیده بگیریم، به دو نکته‌ی مهم باید توجه داشته باشیم:

۱- عدم وجود تقسیم‌بندی در هنر به صورت هنر مثبت و هنر منفی‌ست؛ هنر ارتقایی یا مخرب و اگر بیان قرآنی آن را بخواهیم، هنر مصلحانه و یا مفسدانه.



بخش اول

اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ، ادبیات، فلسفه و به‌خصوص هنر، طوری از سوی غرب تعریف می‌گردد تا افکار عمومی به‌سوی اهداف از پیش‌تعریف‌شده‌ی آنان سوق پیدا کند، آیا رواست که ساده‌انگارانه و خوش‌بینانه، چشم‌وگوش‌بسته، تحفه‌ی آنان را بی‌هیچ نقدی، خوراک هنرمندان خود کنیم و بیش از آنکه هنرمندان مان از سرچشمه‌های زلال نوشانده شوند از ماند آب‌های مسموم به خورد آنان داده شود؟! هنرمندانی که بر گنج فرهنگ و معرفت و تفکر خوابیده‌اند.

به فرمایش رهبر معظم انقلاب: «شکی نیست که کسانی که تفکر یا انگیزه یا آهوی غلط دارند، از هنر استفاده خواهند کرد. هنر، چیزی‌ست که همه‌ی صاحبان شعور در جهان می‌خواهند از آن استفاده کنند. اصلاً در دنیا هیچ صاحب عقلی وجود ندارد، که نخواهد از هنر استفاده کند. یکی از انواع استفاده هم این است که اندیشه‌ی ناپاکی را به‌وسیله‌ی هنر در ذهن انسان‌ها بریزند و در چنین شرایطی که با ابزار فرهنگ و هنر، هجمه‌های سنگین بر ارزش‌های والای بشری و اعتقادات انسانی رانده می‌شود و با همین پُتک هنری، سر و روی ادیان آسمانی، زیر ضربات سنگین گرفته‌شده، چطور در این کوران شبانه‌ی هجمه‌ها که خوابی مرگ‌آور را بر مخاطبینش تحمیل می‌کند، به‌جای اینکه برخاسته و حرکتی سازنده با اتکای به فرهنگ غنی خود آغاز کنیم، قاعدانه مبهوت و مسحور آن کوران شویم؟!»

مصادیق بسیاری را در عرصه‌های مختلف می‌توان برشمرد از جمله همین بهانه‌ی آغازین سطور پیش‌رو که در یک کتاب حدوداً صدوبیست صفحه‌ای، مطالب قابل‌توجهی از کتاب، صرفاً معرفی هنرمندانی شده که مثلاً در جهت حمایت از همجنس‌بازان، خلق اثر کرده‌اند و نیز هنرمندانی که در جهت جا انداختن یک مقوله-کوره‌های آدم سوزی- که تناسب آن را برای هدفی خاص به‌هم‌ریخته تا حقیقتی را انکار نمایند، آثاری آفریده‌اند

«این افتخاریست بس بزرگ، که از من خواسته شده تا هنر معاصر را از طریق انتشار این کتاب به مردم ایران معرفی کنم» ادوارد لوسی اسمیت

جمله‌ای که از نظرتان گذشت، بر پشت جلد یکی از کتاب‌های ترجمه‌ای در زمینه‌ی هنر، جای خوش کرده و خودنمایی می‌کند.

هدف، نقد این کتاب نیست و بلکه بیشتر بهانه‌ای‌ست تا باهم دقیق‌تر به جایگاه هنر و اهداف مثبت و منفی آن بنگریم و دست‌کم سعی خود را کرده تا آن‌چنان که شایسته‌ی انسان بهره‌مند از فطرت الهی‌ست به رویکردهای مشابهی آنچه در امثال این کتاب‌ها و دیگر ابزارهای تأثیرگذار می‌گذرد، سفری حق‌بینانه داشته باشیم.

بهرآستی در این زمان که تقریباً بر همگان به‌وضوح روشن گشته که چارچوب‌ها در عرصه‌های مختلف از جمله؛ سیاست،

بهرآستی در این زمان که تقریباً بر همگان به‌وضوح روشن گشته که چارچوب‌ها در عرصه‌های مختلف از جمله؛ سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ، ادبیات، فلسفه و به‌خصوص هنر، طوری از سوی غرب تعریف می‌گردد تا افکار عمومی به‌سوی اهداف از پیش‌تعریف‌شده‌ی آنان سوق پیدا کند، آیا رواست که ساده‌انگارانه و خوش‌بینانه، چشم‌وگوش‌بسته، تحفه‌ی آنان را بی‌هیچ نقدی، خوراک هنرمندان خود کنیم و بیش از آنکه هنرمندان مان از سرچشمه‌های زلال نوشانده شوند از ماند آب‌های مسموم به خورد آنان داده شود؟! هنرمندانی که بر گنج فرهنگ و معرفت و تفکر خوابیده‌اند.



روز اول: اعتکاف؛ دین عقلانی

ایشان ضمن برشمردن برکات و فضایل این ایام مبارک به جایگاه والای عقلانیت در دین پرداختند و افزودند: شرکت در مراسمات مذهبی و عمل به فرایض دینی مبنای عقلی بسیار مستحکمی دارد و به نوعی پیش و بیش از هر کس برای خود انسان مثمر ثمر می‌باشد.

در طول روز نیز مراسم متنوعی برگزار گردید که خواندن زیارت جامعه کبیره با صوت زیبای حاج مهدی خادم و مولودی خوانی به مناسبت میلاد باسعادت اولین اختر تابناک امامت امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) از آن جمله بود.

مراسم معنوی اعتکاف اساتید دانشگاه‌های تهران که هر ساله توسط نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس برگزار می‌شود، امسال نیز با استقبال پرشور معتکفین آغاز گردید.

این مراسم پرفیض از بامداد سه‌شنبه با ذکر مناجات و صرف سحری و نماز جماعت صبح و دعای عهد آغاز شد. گفتنی است پیش از آغاز مراسم اعتکاف، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا کافی به ذکر احکام اعتکاف پرداختند.

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا پناهیان نیز سخنران ویژه روز اول این مراسم بودند.



روز دوم: اعتکاف؛ فرصتی برای معرفت به خویش

که به دنبال بازار گرمی هستند. کسانی که ادعای مقامات عرفانی را دارند ولی کار آن‌ها چیزی جز شیادی نیست.

مسئول نهاد رهبری دانشگاه تربیت مدرس در بخش‌های دیگری از سخنان خود به اوج معرفت حاصل از اعتکاف اشاره کرد که پی بردن به فقر و نداری خود در پیشگاه الهی است. وی گفت: اگر انسان به این مرحله برسد و کاملاً مضطر بشود آنگاه هر چه خواهد و یا هر چه به مصلحت او بدانند در ظرف خالی او می‌ریزند و او از اعتکاف بهره‌ی وافیه و لازم را خواهد برد.

دکتر فلاح رفیع در پایان سخنان خود افزود: اعمالی نظیر اعتکاف و زمینه‌های ارتباط با خداوند و نیایش و تفکر در جهان پرزرق و برق امروزی یکی از راه‌های معنابخشی و رهایی از منجلاب بی‌هویتی است که از سوی رسانه‌های غربی به مردم جهان به‌ویژه به جوانان تزریق می‌شود.

استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس سپس با اشاره به حقایق پنهان‌تر جهان هستی و لایه‌های زیرین و البته پر راز و رمز آن گفت این کاری است که تنها دین می‌تواند از عهده آن برآید و چشم‌وگوش آدمیان را به حقایق به‌ظاهر ناپیدای هستی باز کرد.

دکتر فلاح رفیع با اشاره به‌صورت ملکی و ملکوتی اعمال دینی به این مطلب توجه داد که فراموش نکنیم اعمال ظاهر ما صورتی ملکوتی دارد که هم در این جهان و هم عمدتاً در جهان دیگر به انسان برمی‌گردد و تأثیر خود را بر سرنوشت آدمی دارد.

وی ضمن بیان مباحثی در این زمینه گفت در عین حال توجه داشته باشیم که اعتکاف نیز همچون اعمال دیگر آدمی لایه‌های زیرینی دارد که بخش مهم آن علاوه بر ثواب‌های واردشده، تأمل و تفکر برای شناخت خود است و پیدا کردن راه درست و معنا بخشی به زندگی.

ایشان سپس افزود: در این زمینه باید مواظب بود و فریب شیادان و فریبکاران را نخورد

سخنران ویژه روز دوم اعتکاف نیز حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر فلاح رفیع مسئول نهاد رهبری دانشگاه تربیت مدرس بود که بعد از اقامه نماز ظهر و عصر به ایراد سخنرانی پرداخت. ایشان در ابتدا ضمن بیان زمینه‌های توفیق الهی برای انجام اعمال معنوی از جمله اعتکاف افزود: هرگاه خداوند متعال بخواهد کسی را مورد لطف و عنایت قرار دهد و نعمتی معنوی به او ارزانی دارد، خود زمینه‌های آن را آماده می‌کند. البته این زمینه‌ها خود یک سلسله پیش‌زمینه‌هایی لازم دارد که از سوی بنده فراهم می‌شود و آنگاه خدای متعال لطف خود را شامل حال انسان مؤمن می‌نماید.

حجت‌الاسلام فلاح رفیع ضمن اشاره به اشعاری از مولانا در این زمینه گفت: اگر کسانی توفیق اعتکاف در این ایام را پیدا نکرده‌اند بدانند که معنویت و نورانیت این ایام مخصوص معتکفین نیست هر چند این عزیزان بهره‌ی وافیه می‌برند، اما دیگران هم می‌توانند با توجه هر چه بیشتر به برکات این ایام و حضور قلب حداکثری، استفاده از این اوقات نورانی بهره‌مند شوند، به‌ویژه از اعمال ام داوود.



روز سوم: بدرقه معتکفین در فضایی آکنده از معنویت

این مساله خاطر نشان نمود: تحقق این جهاد موجب برتری انسان بر فرشتگان خواهد بود.

نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در فراز پایانی سخنان خود ضمن ذکر اهمیت رسیدگی به محرومین و یتیمان افزود: در کنار کارهایی که دولت انجام می‌دهد و باید هم انجام دهد، هر یک از ما نیز در قبال مستضعفان و محرومان مسئول می‌باشیم و نباید در رسیدگی به آنها کوتاهی کنیم.

قرائت سوره‌های وارده در اعمال ام داوود توسط قاریان مدعو، برنامه دیگر شرکت‌کنندگان در این مراسم بود. پس از آن نیز حاضرین در این مراسم با خواندن دعای ام‌داوود توسط حجت‌الاسلام والمسلمین پورموسوی اعمال پایانی اعتکاف را به انجام رساندند.

شایان ذکر است پس از اقامه نماز مغرب و عشاء و صرف افطاری هم معتکفین ضمن وداع با یکدیگر و دست‌اندرکاران برگزاری مراسم، در فضایی معنوی مورد بدرقه قرار گرفتند.

از برنامه‌های متنوع سومین روز اعتکاف دانشگاه تربیت مدرس زیارت آل‌یاسین بود که پیش از اذان ظهر و با حضور پرشور معتکفین برگزار گردید.

بعد از نماز هم معتکفین میزبان حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا محمدیان رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها بودند. ایشان در ابتدای سخنان خود به اهمیت اعتکاف و اثرات آن در روح و جان آدمی پرداخت و توفیق حضور در جمع معتکفین را برای تقویت بصیرت و عرفان بسیار مفید ارزیابی نمود. ایشان در فراز دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به خاطرات شهداء و جانبازان و کتاب‌های متعددی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده، همگان را به مطالعه این خاطرات توصیه نمود. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدیان در ادامه به خلقت آدم و اعتراض ملائکه پرداخت و آنجایی که خداوند سبحان می‌فرماید: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید» را اشاره به جهاد اکبر و مبارزه با هوای نفس ارزیابی نموده و ضمن ذکر مثال‌هایی از اولیای الهی و شهدا در تبیین





آثار پر برکت روحی و معنوی اعتکاف در فصل خودسازی و تزکیه نفس

زبان سرخ گوید درد دل را



راه دوم به نفع خودم بود و انتخابش کردم. و آرام شد و نشست البته به پیشنهادش توجه کردیم و راهکارش را عملی کردیم ولی او یکی از بهترین دوست‌های معتکفی‌ام شد.

راستی، محبت همیشه جواب می‌دهد

تعریف می‌کرد یک‌بار به خاطر کاری دختر کوچولوام واقعا مرا اذیت کرد و کلافه که با دادوبیداد بلند شدم و رو به دخترم گفتم الان من با تو چیکار کنم؟ و دخترم انگشتش را گذاشت روی لبش و گفت می‌توانی یه دونه ماچم کنی؟!!

و حالا در کمال ناباوری با باید از آن معتکف یک چک آبدار می‌خوردم یا در یک عمل انتحاری به آغوش می‌کشیدمش و یک‌دانه سرش را ماچ می‌کردم و البته

پنجره را تا آخر باز کرده بود و تا ته مسجد مشخص بود، رفتم که پنجره را ببندم، انگار که قبل از بنده کس دیگری به او تذکر داده باشد فریاد زد چکار می‌کنی، گفتم به بیرون دید دارد، دارم کمی می‌بندمش، چادرش را زد زیر بغلش و یک‌جوری از جایش بلند شد که یک‌دستی هم نه دودستی بیاید بزند در گوشم، که کو کجاست این وقت شب آدمی که توی دانشگاه بخواد ما رو ببینه، که در آن‌واحد یاد خاطره‌ای جالب از یک مادر افتادم.

بی: چی آبدار

آماده شدن ژتون برایتان می‌آورم پایین و تحویل‌تان می‌دهم، به اندازه لحظه‌ای فکر احساس کردم جایگاه خادمی را تا حدودی دریافت کرده‌ام و نگاه معتکفی که منتظر بود مثل دقایقی پیش با او جروب‌بحث کنم دیدنی شده بود.

آرام شد و گفت نه خودم می‌آیم فقط دقیقش را بگو تا بیایم و باز ادامه دادم، خیر نیاز نیست شما بفرمایید کجا نشسته‌اید تا به محض آماده شدن برایتان بی‌آورم، گفت و رفت، چقدر جالب است در عرض سه ثانیه می‌شود بزرگ شوی و در همان سه ثانیه کوچک

خدا یا لطفاً ...

در این مدت با خودم مرور کردم واقعا کسی که مسئولیت خادمی به عهده می‌گیرد باید چقدر و تا کجا مفهوم خادمی را بفهمد و عمل کند چقدر و چند نفر باید عاشق کاری باشد که پذیرفته، منتظر چه چیزهایی باشد تا مقام خادمی نمونه‌اش کند، در همین فکرها قدم می‌زدم که برگشت، نفس‌نفس‌زنان این پله‌ها واقعا نفس‌گیر بود، آمدم ژتون‌هایم را بگیرم، وای خدایا هنوز بچه‌ها ژتون‌ها را نیاورده بودند.

با کمال احترام گفتم شرمنده حاضر نشده است، با توپی پر و قیافه‌ای محکم و حسابی حق به جانب جواب داد پس من دیگه بالا نمی‌آیم، بنده هم با تمام آرامش و لبخند از جایم بلند شدم و گفتم پس وظیفه بنده چیست؟! بنده به محض

یا باید قبول کنی خادمی و وظیفه‌ات، تأکید می‌کنم وظیفه‌ات خادمی‌ست یا فقط یک اتیکت بچسبانی روی لباست که توجه توجه بنده خادمم.

آمد برای ثبت‌نام با دو نفر همراه، نزدیکای سحر بود دو تا پک بیشتر نمانده بود شروع کرد دعوا و دادوبیداد و هر چه گفت جوابش را دادم، جواب‌هایم هم منطقی بود و توجیه‌کننده ولی از طرفی ایشان هم حق داشت آخر هم گفت گزارشتان را رد خواهیم کرد، اعتکافی که شروعش با این همه بی‌نظمی باشد واقعا خدا به خیر کند، بدشانسی ژتون‌مان هم تمام شده بود، ادامه داد حالا کی بیایم ژتون‌هایم را بگیرم، گفتم: ان‌شالله نهایتا تا ده دقیقه دیگر آماده می‌شود، لطفاً بیایید و بگیرید، رفت و داخل مسجد مستقر شد.



دو: دنیای خادمی

سه: وقفه‌های خاص

بد نیست گاهی نذرها و وقف‌هایمان خاص باشد.

بنده را کشید کنار و گفت به تعداد معتکفین کتاب آورده‌ایم می‌خواهیم بین آن‌ها با روش امانت خانوادگی و زبان گویا برای ترویج کتاب‌خوانی توزیع شود لطفاً همکاری کنید.

چهره به چهره و باذوقی خاص و شوقی لبریز خودش هم بلند شد تا کمکم کند و می‌گفت آدم این‌جور جاها می‌تواند فرهنگ‌های خوبی را پایه‌گذاری کند.

چهار: می‌توان پزشکی خادم بود

دکتر را صدا زدم

دکتر جان بیا برویم طبقه پایین چند نفری حالشان روبراه نیست.

دکتر آمد پایین برایش میز و صندلی آماده کردم تا بنشیند و مریض‌ها یکی‌یکی بیایند تا ویزیت شوند ولی دکتر قبول نکرد و با تمام صبر و حوصله کیف پزشکی‌اش را بین معتکفین می‌چرخاند و پیش هر کدام از بدحال‌ها که می‌رسید ویزیتشان می‌کرد هر چقدر اصرارش کردم که در یک نقطه بنشیند قبول نکرد که نکرد می‌گفت بین این معتکفین حرکت کردن خود ثوابی خاص دارد و اگر وظیفه بنده پزشکی‌ست و امروز به واسطه حرفه‌ام در بین شما معتکفین هستم پس لطفاً اجازه بده با حرفه‌ام برای خدا، خودنمایی کنم شاید گوشه چشمی نصیبم شد.





یکی از دانشجویان دانشگاهمان که همسر مدافع حرم حضرت زینب (سلام الله علیها) هم بود تشریف آوردند و برایمان اندکی از شهیدشان گفتند.

خدایا لطفاً یاری‌ام کن در این مسیر زندگی کنم.

خوب و صفای زینبی (سلام الله علیها) بود، دل برادرها آب، که برنامه ویژه خودش را نداشتند ولی از دامن زن مرد به معراج رسید.

شاید این جور برنامه‌ها فقط باید برای ما خانم‌ها باشد و قوت قلبی خاص.

با شوقی عجیب آمد بین جمعیت و گفت آماده باشین ان‌شاءالله تا دقایقی دیگر برنامه‌های ویژه ما برگزار می‌شود. هر چقدر اصرار کردیم که بگوید چه خبر است نگفت که نگفت، سین برنامه را نگاه کردیم برنامه ویژه خواهران بود، ولی خداییش برنامه‌های خاص فقط برای ما خانم‌ها با کلی حال



آدم‌ها باطن‌شان اگر نمایان شود دیگر کسی به رویشان نگاه هم نمی‌کند چه برسد به اینکه بخواهند از آن چیزی که همراهشان هست هم بخواهند بگذرند خدایا چطور ستار بودند این قدر زیبا می‌شود...

نماز صبح شد، نماز را که خواندم و کارهایم که تمام شد به دیوار مسجد تکیه داده بودم و داشتم کارهای امروز را مرور می‌کردم که ان‌شاءالله کمی هم دعا بخوانم نمی‌دانم چطور شد که خوابم برد وقتی بیدار شدم چندین نفر چادرهای نمازشان را انداخته بودند رویم و چندین بالش و سجاده تا کرده زیر سرم بود بدون اینکه متوجه مهربانی‌شان شوم ولی اصلاً حس خوبی نداشتیم.

بعد از اجرای برنامه ویژه خواهران حال خیلی‌ها حسابی خوب شد.

نمی‌دانم چطور شد که همه فکر می‌کردند احتمالاً بنده که مجری برنامه بودم، باید آدم خیلی خوبی باشم که می‌آمدند جلو و از بنده حلالیت می‌طلبیدند و التماس دعا داشتند.

گذشت.

شش: لذت تحویل گرفتن



شرمندگی‌ام دوچندان شد و عرق بی‌مسئولیتی‌ام بیشتر.

ولی خودمانیم، مثل اینکه همه سرحال شده بودند، ذوق کرده بودند با سخنرانی عجیب و اخلاقی حاج‌آقا

احتمالاً ایشان این علم‌هایشان را هر جایی خرج نمی‌کنند و گرنه ما که نمازهای ظهر و عصرمان همین جاست...!!

شاید هم حضور کسی بین معتکفین حاج‌آقا را به وجد آورد و شاید خواست چشمه‌ای جدید نشان‌مان دهد.

می‌گفت که از آیت‌الله قاضی، علمی را که قبلاً داشته و حالا نداشته را طلب می‌کرد. آیت الله قاضی با بی‌اعتنایی از این قضیه عبور می‌کند و بقیه ماجرا بماند اما نکته این است که مقام عرفانی آیت الله قاضی بالاتر از این دست غیب گویی‌ها بوده است و عارفان حقیقی به دنبال این گونه آگاهی‌ها نبوده‌اند هر چند که آن را دارا باشند ولی مهم این بوده که اعتنایی به این گونه امور نداشتند. اینگونه عرق شده بودم که بغل‌دستی‌ام سقلمه‌ای به هم زد و گفت سخنران به این خوبی، حیف نبود اولش صدایشان طبقه دوم نمی‌آمد؟!!

تا حالا این‌گونه خاص و شنیدنی از حاج‌آقا فلاح رفیع نشنیده بودم

پای ثابت درس‌های نهج‌البلاغه و تفسیر بقره‌هایش بودم ولی امروز در اعتکاف طور دیگری سخن گفت، عجیب، شنیدنی‌های شنیدنی، از عاشقی می‌گفت و شناخت معشوق، از دل‌باختگی و دل‌شناسی، نمی‌دانم شاید...

شاید...

مشغول رفت‌وآمد بین معتکفین بودم که ناگهان خشکم زد، ماجرای مردی را

هشت: نیازمند گل روی شما



از خدای‌اش کم نخواهد شد.

و حالا دقیقاً زمان دعای ام‌داوود آن معتکف مرا به خودم آورد حتما کسی هست که همیشه برای او گل بخرد شاید همسر و یا بابایش اصلاً گل‌فروشی دارند که با هدیه دادن یک گل به بنده چیزی از او کم نشد و بلکه به او افزود

خدایا تو هم که از خدایات چیزی کم نمی‌شود لطفاً اگر به خیر و صلاح بنده است نظری کن و ...

گفت بله به آغوش کشیدمش و بوسیدمش و تشکر کردم.

رفتم تا ته مسجد، دستمال‌کاغذی‌ها تمام که شد برگشتم در مسیر برگشت دوباره دنبال همان معتکف گشتم و دورادور دوباره سپاسگزاری کردم، توی حال خودش بود و این بار با سردی نگاهش سری تکان داد.

یاد آن استادی افتادم که یادمان داده بود از خدایی که اینهمه دارد باید زیاد خواست زیرا هر چقدر هم که به ما بدهد

داشتم نظرسنجی‌ها را جمع می‌کردم که دیدم سر سجاده یکی از معتکفین دوتا شاخه گل است به شوخی گفتم ما خودمان گل هستیم ولی گل‌های شما هم خیلی زیباست، خندید و سریع از کنارشان رد شدم.

وقت دعای ام‌داوود بود رفتم تا بین جمعیت دستمال‌کاغذی توزیع کنم یکی از گل‌هایش را به بنده هدیه داد، خیلی خوشحال شدم و وسط آن همه گریه و ناله با ذوق و شادی خاصی گفتم واقعا برای خودم؟!!



با گوشه‌ی چشم نگاهش می‌کردم و با خودم زمزمه کردم، یعنی می‌شود گهگاهی دل امام زمان (عج) هم برایمان تنگ شود بیایند گوشه‌ای بنشینند و نگاه‌مان کنند و لذت ببرند از اینکه ذکر و دل و فکرمان برای ایشان است؟!!

بلند شدم که بروم سمت خوابگاه ولی نه

می‌روم و سلام‌علیک می‌کنم و عذرخواهی به خاطر اینکه دیشب وقت خداحافظی ندیدمشان به نیت اینکه اگر روزی جزو کسانی شدم که دل امام زمان (عج) برایمان تنگ شد زحمت بکشند و قدم رنجه کنند و ...

نه، اینکه درست نیست.

راستی چرا نباید این قدری بزرگ شوم که حتی حضورش را هم درک کنم؟!!

«باورتان نمی‌شود اگر بگویم چه اعتکاف محشری بود»

سرم را بالا می‌آورم یکی از معتکفینی بود که دیروز برای وداع، ندیدمش و پرستار دوره‌ی دفاع مقدس بود، گمنام، دور از همه دغدغه‌ها گوشه‌ای به عبادت مشغول بود و با دوستش آمده بود و سن و سالی ازشان گذشته بود که گهگاه سر شوخی با آنها باز می‌کردم و نامشان را گذاشته بودم خانم‌های هجده‌ساله اصل، کلی با خنده هایشان به وجد می‌آمدم.

داشت برای مسجدی‌ها تعریف می‌کرد که چقدر بهشان خوش گذشته، با خودم گفتم به همین چند دقیقه دیدنتان هم قانعم و خدا می‌داند چقدر دلم برایتان تنگ‌شده بود، صحبت‌ها و تعریف‌هایش که تمام شد رفت سر صندلی نمازش و به ذکر مشغول شد.

غروب جمعه است دلم هوای خاص و ناب نور دیده‌ها و نور بالا‌های معتکف را کرده.

ببینم تا حالا شده است که حالت با دیدن کسی خوب شود؟!!

و حالا فکرش را بکن سه روز تمام حالم با دیدن حال‌های خوب، خوب‌تر می‌شده و حالا کسی نیست حالم را خوب کند.

جمعه‌ها هم که مسجد دانشگاه تعطیل است.

راهی مسجد حضرت امیر(علیه السلام) نزدیک‌ترین مسجد به دانشگاه می‌شوم

نمازم تمام می‌شود و در حال تسبیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها) بودم که صدای آشنایی نظرم را جلب می‌کند

آرامش خیال

کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی دانشگاه تربیت مدرس

و ازت می‌خواست خودت خوندی کتاب رو، به اعضای خانواده و دوستان بدی بخونن، کتاب دو گوهر بهشتی پدر و مادر. چقدر این انسان قشنگ فکر کرده که چی هدیه بده، خیلی چیزها یاد می‌گیری تو این محفل. با دیدن این نوشته کنهگاری که به رحمت خدا امیدوار است از عابد مایوس به درگاه خدا نزدیکتر است. پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله)، تو آشفتنگی ذهنت جرئت بهت می‌ده با دست خالی و وجود پر از گناه دستت رو بالا ببری و بگی «استغفرالله و اتوب و الیه». آره امروز یه دعا می‌کنم برای خودم، برای کسانی که تا حالا نیومدن به این محفل انس با خدا که سال دیگه باز به من توفیق بده باشم با وجودی پاک‌تر، کارنامه‌ای معقول‌تر و دلی با گناهان کمتر و سربلندتر باشم که خدایا تو که من رو دعوت کرده بودی، توبه من رو پذیرفتی، منم به قولم عمل کردم در یکسال گذشته.

توشه‌ی یکسال بعد اعتکاف سال ۹۶ دستای خالی و یه چمدون و سجاده‌ام و وسایل سفرم نیست ...

زمانی قشنگ‌تر از خونه‌ی خدا و اعتکاف. همه داریم میریم جایی که دعوت شدیم شاید به واسطه یه کار کوچیک دعوتنامه‌ها امضاء شده که بیای خودتم میدونی دستت خالی، چیزی نداری! اما میدونی اون‌ی که دعوت کرده خیلی مهربونه. می‌بینی اینایی که میان همه یه توشه سه روزه بستن برای سفری سه روزه آماده شدن. تو چهره‌ی همه خوشحالی رو می‌بینی، از دانش‌آموز تا افراد مسن‌تر همه یه شوق بزرگ دارن خلوت با معبود، خلوتی برای آموزش و آرامش و رسیدن به کمال، خلوتی که بشینی یه برنامه خوب برای زندگی بنویسی، یاد می‌گیری اینجا از خودت یه کوچولو بگذری از خودت و خواسته خودت. چیزای قشنگ می‌بینی، مادری که نگاه به مناجاتشون با خدا یه انرژی زیادی رو بهت می‌ده که برای رسیدن به اون آرامش تو هم تلاشتو بکنی به اون آرامش خیال برسی با خدای خودت خلوت کنی. بودن معتکفایی که کل سه روز رو خدمت می‌کردن و با چهره‌ی مهربون راهنمایی می‌کردن، معتکفینی که به معتکفین مسن‌تر کمک می‌کردن. قشنگ‌ترینش معتکفی بود کتاب هدیه می‌داد

همه‌ی ما تو روزمرگی زندگی، تو ماه و سال، خوشی و غم، گرفتاری کار، مشغله‌های درسی چنان غرق شدیم که برامون گذر ۳۰ روز ماه خیلی سریع شده، می‌گیم: ای بابا این ماهم تموم شد. اما شاید آنقدر که به تموم شدن ماه توجه می‌کنیم نمی‌گیم چه کار کردی برای دل خودت که آرامش داشته باشی؟ از بزرگترهامون زیاد شنیدیم اگه چیزی، جایی قسمت باشه اتفاق می‌افته، میری. اینجا و امروز بگم قسمت بود، سعادت بود، هر کدومش فرقی نداره خیلی قشنگه دعوت شی خونه‌ی خدا، با همه گناهان ریز و درشت و غفلت‌ها. باورم نمیشه با همه‌ی گرد و غباری که به دلمون هست امسال به اعتکاف دعوت شدیم. سه روز هیچ دغدغه‌ای نیست فقط تو و خدای تو، حسی به آدم می‌ده که تمام غم و اندوه، تمام گرفتاری، تمام دغدغه‌ها برای این سه روز متوقف میشه. یکی از معنی‌های اعتکاف یعنی توقف کردن در یک مکان. این توقف برای همه‌ی ما ادما لازمه، چون همه ما ادما ذاتا به دنبال رسیدن به کمال و کامل شدن وجودمون هستیم، کجا و چه



یلاداشت

عاطفه سلطانی

کارشناسی ارشد هماتولوژی دانشگاه تربیت مدرس

سعی بین صفا و مروهات سد کرده است، به جغرافیای تو پناه آورده‌ام، آمده‌ام با همه‌ی سرگردانی هاجر، تا بندگی را «سعی» کنم از پستی‌های خویشتن تا قلعه‌ی قربانگاه اسماعیل وجود، این مسیر پر پیچ و تاب وصل تو را سعی کردن باید ...

و امید آن دارم، سعی ما کنعانیان را بر ذکرتو در این میعاد و میقات حسن ختامی باشد به مژده‌ی باز آمدن یوسفی گمگشته... آری تا لحظه مرگ چشم در راهم، از تو حسن ختام می‌خواهم

در وعده گاه بندگیت، میعاد عشاق، هر چند به قول جلال آل قلم: این تنها «حسی» است و به «میقات» آمده است و نه «کسی» و به «میعاد»، چرا که «میعاد» جای دیدار با دیگری، اما «میقات» زمان همان دیدار است و تنها با «خویشتن»، حال این خس به میقات آمده را بنگر که آمده است با عطش سال‌ها تا تو کمی عشق بنوشانی‌اش،

پناه آورده‌ام به جغرافیای تو ... از کش و قوس همه‌ی نقشه‌های زمین با صحراها و دریاها و شبه جزیره‌ها و مرزهایش که راه مرا بر

مشغول همین جمع‌ها و تفریق‌ها بوده‌ام و خویشتن را در میان آنها گم کرده‌ام، همان خویشتنی که واسطه‌ی وصل است، چرا که بارها گفته‌اند و شنیده‌ام که «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، در جستجوی خویش به حریم خانه‌ات در آمده‌ام، حریمی که بی وقوف در عرفات و مشعر، به روی ما گشوده‌ای و اذن دخول داده‌ای و این شاید از برای آن است که وقوف واقعی را در احوال خویشتن باید کرد و اما بعد، از خویشتن خویش گذر باید کرد ...

آمده‌ام با تو در خود بنگرم، نیمه‌ی رجب

پناه آورده‌ام به تو از تمام جغرافیای کویری وجودم، که خود را در قعر دره‌های تاریکش گم کرده‌ام، به اقیانوس رحمت تو پناه آورده‌ام، به کوی و دیار تو، خانه‌ای که از آن توست و کدامین خانه است که از آن تو نباشد؟ با همه‌ی این ناهمی‌ها آمده‌ام و گوشه نشین خانه‌ای شده‌ام که سجده‌گاه توست، اینجا می‌مانم تا «ماندن» را از خودم برانم و شوق پرواز را مزه کنم، مقیم می‌شوم تا قیام از برای تو را بیاموزم، مثنی و فرادی ... ونمی‌دانم «فرادی» را چگونه در میان جمع مشق کنم که تمام عمر

اعتکاف در میقات

از اربعین در اعتکاف؛ با اعتکاف تا اربعین

نگاه

برداشت اول:

برداشت دوم:

برداشت سوم:

جمع میان «ماندن» اعتکاف‌گونه و «رفتن» اربعینی، تنها در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن کلمه، تنها «شهادت» است. تنها مشتاق «شهادت» است که از همه دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌ها دل کنده، جسم و روحش را به جنبش واداشته، تا در آن لحظه با شکوه، جسمش محبوس خاک، و روحش دخیل یار شود.

آری، تنها «شهید» است که می‌رود و تنها «شهید» است که می‌ماند. شاهدان پاکبازی که اگر شهید نشوند، می‌میرند.

زائر اربعین که باشی، باید بروی؛ باید، که نمایی؛ نباید که، بمانی. مبهوتی و دل‌خسته، و به رسم دلدادگی، دل از ماندن‌ها شسته، و تمرین اطاعت و تمنای ولایت تمام وجودت را آکنده. بی هیچ هوایی، دل می‌بری از همه دل‌بستگی‌های هر روزه؛ و همه وابستگی‌های همیشه.

آری، اربعین توفیق زیارت است و فرصت دلدادگی؛ با اربعین، می‌روی برای رهایی؛ که اربعین، مصداق تام و تمامی است برای «پیروزی خون بر شمشیر». اربعین تحقیر مرگ در برابر مومن است، پیش از تحقیر مومن در برابر مرگ. تحقیری با بهترین الگوها و زیباترین حماسه‌ها. با اربعین، جسمت را که به حرکت وامی‌داری، روح محبوس حرم می‌شود. نه بالی می‌زندی، نه پری می‌کشد و نه پروازی می‌کند...

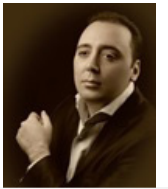
معتکف که باشی، باید بمانی. در بندی و پای‌بسته، و به رسم بندگی در مسجدی نشسته، و تمرین عبودیت و تمنای ربوبیت تمام وجودت را آکنده. بی هیچ هوایی، دل می‌بری از همه دل‌بستگی‌های هر روزه، و همه وابستگی‌های همیشه.

آری، اعتکاف توفیق عبادت است و فرصت بندگی؛ در اعتکاف، می‌مانی برای رهایی؛ که اعتکاف، مصداق تام و تمامی است برای «موتوا قبل ان تموتوا». اعتکاف استقبال مومن از مرگ، پیش از استقبال مرگ از مومن است؛ مرگی با بهترین بازگشت‌ها و زیباترین زنده‌شدن‌ها. با اعتکاف، جسمت را که حبس می‌کنی، روح به جنبش درمی‌آید، بال می‌زند، پر می‌کشد، پرواز می‌کند تا...

اهمیت «موفقیت شناسی اقتصاد مقاومتی»

محمدعلی نژادبان

یادداشت



دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی

قوی بودن اندیشه‌ها از لحاظ پشتوانه‌ی فکری و اعتقادی است که نتایج بسیاری از جمله افزایش مسئولیت‌پذیری و تقویت غیرت دینی و ملی به همراه خواهد داشت.

۵- مراجع قضایی و بازرسی نسبت به جرم و فسادهای اقتصادی حساس‌تر و دقیق‌تر برخورد نمایند و با ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی علمی ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی را بررسی کنند. همچنین رفع خلأهای قانونی و بازرسی دستگاه‌های نظارتی بر عملکرد سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی از جمله؛ پیش‌نیازهای ضروری و واجب است تا دیگر شاهد «رانت‌ها، اختلاس‌ها، زیرمیزی‌ها، حقوق‌ها و پاداش‌های غیرمتعارف» نباشیم و البته این موضوع باید به‌موازات تقویت اعتقادات به‌وسیله‌ی تحول در علوم انسانی و ابزارهای آموزشی و پرورشی باشد. لذا مناسب است نمایندگان مجلس نیز تمام سعی خود را انجام دهند تا قوانین متناسب با نیازهای روز وضع نموده و اگر خلأ قانونی هست نسبت به رفع آن اقدام نمایند تا دیگر شاهد این نباشیم که یک گروهی فساد در بدنه‌ی حکومت انجام بدهند و تازه به دنبال کشف خلأها و رفع آن باشیم.

۶- حفظ امنیت مرزی ایران همچنان که برقرار است از پیش‌نیازهای اساسی و مقدماتی برای هر نوع پیشرفتی است که با لطف پروردگار، فرماندهی کل قوا و مجاهدت رزمندگان اعم از؛ ارتشی، سپاهی و... مجموعاً باعث ایجاد امنیت مطلق مرزی ایران شده است که باید برای حفظ آن هر روز با روش‌های جدیدتر اقدام نمود.

۷- آموزش، حمایت و ترغیب افراد جامعه برای رو آوردن به کارآفرینی و اشتغال‌زایی.

۸- ساماندهی سیستم اخذ مالیات: قابل‌ذکر است که در حال حاضر کارگران و کارمندان از اقشاری هستند که قبل از این‌که درآمدی حاصل کنند مالیات خود را دقیق و بدون کم‌وکاستی پرداخت می‌نمایند ولی افرادی که به «تولید، خریدوفروش، واردات و صادرات...» می‌پردازند و از جمله دلان یا با راه‌های مختلف از مالیات فرار می‌کنند و یا مبلغی که به‌عنوان مالیات می‌دهند مبلغ واقعی نیست و ممکن است کمتر یا به‌ندرت بیشتر از چیزی که مالیات واقعی او است پرداخت نمایند.

۹- مسئولین از بازی‌های جناحی و حزبی پرهیز نمایند زیرا در این شرایط حساس کشور و منطقه بزرگ‌ترین خیانت به مملکت است.

ب- اقداماتی که مناسب است مردم انجام بدهند:

۱- مردم قدر امنیت مرزی ایران را بدانند، زیرا هر فعالیت اقتصادی نیاز به امنیت دارد. اگر تولیدکنندگان احساس کنند هرلحظه ممکن است یک موشک به کارخانه‌ی آن‌ها یا شبکه‌ی توزیع و پخش آن‌ها در شهرستان‌ها اصابت کند، چه تعداد از افراد حاضر به سرمایه‌گذاری برای تولید هستند؟! یادمان باشد برای این‌که به شرایط و موفقیت امروز برسیم چه هزینه‌هایی پرداخت‌نموده‌ایم و به این فکر کنیم آیا واقعا منابع کشور و حتی خود ما ظرفیت و تحمل هزینه‌های تکراری را داریم؟!.

راه می‌اندازند تا مردم درگیر جنگ شوند و فرصت تفکر، درباره‌ی استعمار قدرت‌ها را پیدا نکنند و در واقع بیدار نشوند تا آن‌ها بتوانند از منابع عظیمی که آن کشورها دارند سوءاستفاده کرده و آن‌ها را چپاول کنند و یا اینکه اسلحه‌های خود را به آن‌ها بفروشند ولی در تفکر اسلامی مسیر اقتصاد مبتنی به هر قیمت و شرایطی نیست و بر اساس اصول انسانی و دینی پیش می‌رود. «اسلام به ذات خود ندارد عیبی؛ هر عیب که هست از مسلمانی ماست»

اهمیت اقتصاد مقاومتی

موضوع اقتصاد مقاومتی از دو جهت اصلی دارای اهمیت و قابل توجه است:

۱- مهم‌ترین اثر اقتصاد مقاومتی، اجتماع مسئولین جمهوری اسلامی ایران، اقتصاددانان، محققان و... برای تمرکز به یک روش مشترک برای حل مشکلات اقتصادی، برنامه‌ریزی و تنظیم طرح‌های اجرایی برای آینده و چگونگی استفاده از منابع موجود داخلی است!

۲- اگر اقتصاد مقاومتی به‌درستی واکاوی شود و از آن نتایج درستی حاصل گردد، می‌تواند نیازهای اساسی کشور را حل کند.

اقدامات اولیه برای اقتصاد مقاومتی

الف- اقداماتی که مناسب است مجموعه دستگاه‌های وابسته به حکومت جمهوری اسلامی ایران انجام دهند:

۱- برای اجرای اقتصاد مقاومتی نیاز به یکسری پیش‌نیازها داریم و اصلاحات فرهنگی یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازها است، چرا که برخی از معضلات فردی و اجتماعی به‌صورت هشدار درآمده که باید هر چه سریع‌تر سامان داده شود!

۲- مراجع حکومتی و دولت‌ها باید قدر این ملت مظلوم را که همیشه در شرایط حساس فداکاری نموده و از جان و مال خود گذشته‌اند و ایثار نموده‌اند را بدانند و از خودبینی بپرهیزند.

۳- مسئولین و دولت‌ها صرفاً به دنبال طرح‌های کوتاه‌مدت که در دوره‌ی خود به بهره‌برداری می‌رسد نباشند و به دنبال طرح‌های بلندمدت و ریشه‌ای نیز باشند.

۴- دومین پیش‌نیاز مهم برای پیشرفت ایران در همه‌ی زمینه‌ها از جمله؛ اقتصاد این است که باید یک جهاد فکری و تحول جدید در علوم انسانی انجام شود. زیرا تحول اقتصادی نیاز به کارهای جهادی دارد و پایه و اساس کارهای جهاد گونه،

در شماره ۳۹ دوهفته‌نامه چشمه به بررسی (موفقیت شناسی اقتصاد مقاومتی) پرداختیم. حال در ادامه این نوشتار و همچنین در شماره‌های دیگر این نشریه به‌صورت تفصیلی‌تر این موضوع را بررسی خواهیم نمود.

اقتصاد وسیله‌ی رسیدن به هدف

توجه به این نکته ضروری است که برخلاف مکتب‌های مادی، که اقتصاد خود هدف است، در مکتب اسلام اقتصاد وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف! و این موضوع در مقدمه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ذکر شده است:

(در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین‌جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام، اقتصاد وسیله است و از وسیله، انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه، برنامه‌ی اقتصادی اسلام، فراهم کردن زمینه‌ی مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین‌جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده‌ی حکومت اسلامی است).

قابل‌ذکر است که از هدف دو منظور است:

الف- هدف شخصی: یکی از دلایلی که خداوند انسان را آفرید، رسیدن انسان به رحمت است و هدف اصلی انسان نیز رسیدن به کمال است و کمال نیز یعنی رشد و به فعلیت رسیدن استعدادهای فطری او در جهت قرب الهی. لذا یکی از اهداف که در بالا منظور هست، رسیدن به کمال نهایی است که پایین‌ترین درجه‌ی کمال نهایی، ورود به بهشت جاویدان است و بالاترین درجه‌ی آن که همان مقام و مرتبتی است که از آن به «نزد خدا» تعبیر می‌شود. یعنی انسان، باتقوا در نقطه‌ی نهایی سیر تکامل خویش به جایگاهی می‌رسد که آنجا نزد خداوند است و در جوار رحمت اوست.

ب- هدف اجتماعی: منظور دیگر از هدف، خدمت و کمک به خلق خداوند است. در دیدگاه‌های سکولار و لائیک، هدف از اقتصاد، بیشتر بر ایجاد و حفظ قدرت است و حتی بیشتر سیاست‌های آن‌ها، اقتصادی است. یعنی به فرض، در کشورهای دیگر جنگ و تفرقه به

مردم قدر امنیت مرزی ایران را بدانند، زیرا هر فعالیت اقتصادی نیاز به امنیت دارد. اگر تولیدکنندگان احساس کنند هرلحظه ممکن است یک موشک به کارخانه‌ی آن‌ها یا شبکه‌ی توزیع و پخش آن‌ها در شهرستان‌ها اصابت کند، چه تعداد از افراد حاضر به سرمایه‌گذاری برای تولید هستند؟! یادمان باشد برای این‌که به شرایط و موفقیت امروز برسیم چه هزینه‌هایی پرداخت‌نموده‌ایم و به این فکر کنیم آیا واقعا منابع کشور و حتی خود ما ظرفیت و تحمل هزینه‌های تکراری را داریم!.

۲- اگر بخواهیم ایران عزیز، از لحاظ فرهنگی و اقتصادی همیشه موفق باشد، باید هر فردی در درجه‌ی اول خالصانه طرز فکر خود را از خودپسندی به خدایسندی تغییر دهد و سلامت فرهنگی و اقتصادی را از خود شروع کند. در غیر این صورت تا اخلاق پشتوانه‌ی فرهنگ و اقتصاد نباشد، کلیه‌ی سیستم‌های مکانیزه و به‌روز، قانون‌ها، کيفرها و پاداش‌ها به بهبود و پیشرفت فرهنگ و اقتصاد، کمک مطلق نخواهد کرد و دلیل این موضوع این است که اگر فرد یا افراد جامعه قائل به اخلاق نباشند به‌زودی راه فرار از سیستم و قانون را فرامی‌گیرند یا دل را به دریازده و بدون ترس از عاقبت کار به رانت، اختلاس، سوءاستفاده و... می‌پردازند. لذا مناسب است سیستم‌های مکانیزه، قانون و ابزارهای کنترلی به‌موازات اصلاح، گسترش و پرورش اخلاق در جامعه پیش رود تا مؤثر واقع شود.

۳- اراده و عزم ملی برای دوری از تجمل‌گرایی، استفاده از محصولات ایرانی و تحریم کالاهای خارجی که مشابه ایرانی دارد. قابل‌ذکر است که یکی از عوامل مهم و مؤثر استقامت ملت ایران در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران این بود که مردم نسبت به امروز بسیار اهل قناعت بودند و تجمل‌گرایی مثل امروز گسترش پیدا نکرده بود!

ج- اقداماتی که مناسب است اساتید اقتصاد، نخبگان و محققان و نویسندگان انجام بدهند:

با عنایت به اهمیت اقتصاد مقاومتی برای ایران، مناسب است صاحب نظران شیوه‌ی عرضه مطالب و راه‌های رسیدن به اهداف موردنظر در اقتصاد مقاومتی را با دقت و از همه‌ی ابعاد مورد بررسی قرار بدهند. لذا قطعا هر محقق و پژوهشگری با توجه به امکانات و راه‌حل‌های موجود خود با نگرش و ابزار خاصی به این موضوع ورود می‌نماید و مباحث مرتبط را طرح می‌کند. حال مناسب است به اقتصاد مقاومتی به عنوان یک گزینه مهم برای خروج از بحران‌های اقتصادی و ایمن کردن اقتصاد در برابر تحریم‌ها، توجه ویژه بشود تا بعد با توجه به مقتضیات زمان سوال‌های مهم و اساسی دیگر را طرح و پاسخ نمایند.

یکی از دلایلی که خداوند انسان را آفرید، رسیدن انسان به رحمت است و هدف اصلی انسان نیز رسیدن به کمال است و کمال نیز یعنی رشد و به فعلیت رسیدن استعدادهای فطری او در جهت قرب الهی. لذا یکی از اهداف کمال نهایی، ورود به بهشت جاویدان است و بالاترین درجه‌ی آن که همان مقام و مرتبتی است که از آن به «نزد خدا» تعبیر می‌شود. یعنی انسان، باتقوا در نقطه‌ی نهایی سیر تکامل خویش به جایگاهی می‌رسد که آنجا نزد خداوند است و در جوار رحمت اوست.



یادداشت

هادی طلوعی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

دانشگاه تربیت مدرس

اقتصاد مقاومتی؛ شعار یا علم؟

اگر به نام‌گذاری چند سال اخیر توسط رهبر انقلاب توجه کنیم، ملاحظه می‌نماییم که نام‌گذاری براساس مسائل اقتصادی و معیشتی همواره در صدر اولویت‌های کشور بوده است. این امر به دلیل آن است که نظام جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم پیشرفت قابل توجه در زمینه‌های مختلف علمی، نظامی و ... ضعف‌هایی در بخش اقتصادی دارد که با گذشت ۳۸ سال از انقلاب، همچنان لاینحل باقی‌مانده‌اند. مقام معظم رهبری، در سخنرانی نوروزی در مشهد، واردات کالاهای خارجی و ضعف تولیدات ملی را دو مسئله اصلی اقتصاد اعلام نموده است. گفتنی است، دو موضوع تولید داخلی و واردات همبستگی تنگاتنگی با یکدیگر دارند. به نوعی که هرگاه تولید در یک کشور تنزل یابد و نتواند اجناس مصرفی مردم را تامین کند، دولت متبوع آن ناگزیر به واردات روی آورده و ثروت‌ها و ذخایر خویش را برای گذران حیات اقتصادی هزینه می‌کند. در ادبیات اقتصادی نسبت بین تولید و صادرات آن با واردات و مصرف اجناس خارجی با شاخص تراز تجاری ارزیابی می‌شود. بر این اساس اگر تولید داخلی و صادرات بیشتر از واردات باشد، تراز تجاری مثبت شده و در وضعیت بالعکس آن، با کسری تراز بازرگانی، کشور به سمت افزایش هزینه‌ها پیش خواهد رفت. کشور گسترش واردات پیامدهایی چون افزایش مخارج کشور، وابستگی به بنگاه‌های خارجی و تأثیرات مخرب فرهنگی اجتماعی مانند ترویج مارک‌های خارجی و اقبال عمومی نسبت به آنها دارد. همه این آثار منفی مورد توجه متخصصین اقتصادی است؛ بنابراین بیانات رهبری، صرفاً شعار نیست و از یک پشتوانه‌ی مطالعاتی در علوم اجتماعی برخوردار است. تراز تجاری ایران در سال گذشته مثبت بود، اما این موضوع ناشی از گسترش تولید و فروش نفت است. حال آنکه در سال‌های اخیر تراز بازرگانی ایران اکثراً وضعیت منفی همراه با رشد واردات را نشان می‌داد. باید پذیرفت که جمهوری اسلامی ایران در این عرصه کاستی‌هایی دارد.

مخالفتش فشارهای اقتصادی بوده است. به‌عنوان مثال شورای امنیت سازمان ملل به تاسی از آمریکا از سال ۱۹۹۰ کشور عراق تحت زعامت صدام حسین را تحریم کرد و با تعمیق و تحکیم نظام تحریم‌ها، مقدمات حمله به این کشور را در سال ۲۰۰۳ فراهم ساخت. ایالات‌متحده همچنین در سال ۱۳۹۱ تحریم‌های بی‌سابقه‌ای را علیه نهادهای مالی و بانکی ایران شروع کرد که منجر به ضربات شدیدی بر ارزش پول ملی و تولید و صادرات نفت کشورمان گردید. تورم متعاقب این تحریم‌ها بیانگر این مسئله بود که مشکلاتی در نظام اقتصادی ایران وجود دارد که به محض قطع جریان نفت و تحریم کشورهای غربی سرباز می‌کند. اقتصاد مقاومتی از این زاویه راه‌حل مسائل ماست. در تعریف اولیه، اقتصاد مقاومتی به معنای تکیه بر ظرفیت و امکانات داخلی همچون سرمایه‌های طبیعی و انسانی، نیروی کار و تجهیزات کارآمد برای مقابله با فشارها و آسیب‌های جهانی است. چنین اقتصادی بیشتر بر توسعه داخلی و تولید مردمی تکیه دارد و وابسته به نهادهای مالی در کشورهای غربی نیست. با این رهیافت می‌توان در برابر تحریم‌های مالی، پولی و بانکی غرب با کمترین بحران و تنش ملی مقاومت کرد. به‌عنوان مثال، می‌توان کالاهای مصرفی همچون مواد خوراکی، پوشاک، وسایل منزل، خودرو و لوازم‌التحریر را که دارای تولیدات انبوه در داخل هستند، به کیفیت رضایت‌بخشی از نظر مصرف‌کنندگان رسانید و سپس برای صادرات آن به کشورهای منطقه اقدام نمود. بنابراین اقتصاد مقاومتی هیچ‌گاه به مفهوم ریاضت یا درون‌گرایی محض نیست و از مدل‌های مطرح توسعه در جهان با توجه به امکانات و شرایط بومی کشور استفاده می‌کند.

بحران‌های عرقی و خونی

گاهی بحران قابل دیدن نیست، رؤیت نمی‌شود. این تیپ از بحران‌ها به آرامی حرکت می‌کنند، ولی ریشه‌های هستند. شاید که نه، باید گفت مردم این شکل از بحران‌ها را حتی به آغوش می‌کشند! حریف را بزنم، این بحران‌ها از جنس فرهنگ هستند، همان بحرانی که ما به خاطرش دو ماه مشکی می‌پوشیم و عزا می‌گیریم. این بحران‌ها در لحظه‌ی شروع شاید کمی غمگین باشند اما آفرینندگان این سبک از بحران‌ها، بسیار راحت توجهات را به سوی دیگری سوق می‌دهند تا بالاخره روزی که خون اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) در کربلا به زمین بریزد و پرده‌های غفلت را از چشم مردمان جامعه کنار بزند. آری، حل این بحران‌ها کار مرد کهن نیست. مرد کهن نهایت می‌تواند و حاضر است که عرق بریزد، این تیپ از بحران نیازمند عرق نیست، تشنه‌ی خون است.

نه. ما ثابتیم اما ارزش‌های اجتماعی تغییر می‌کند. اگر این تغییر به سمت مبانی فطری باشد که خوب است؛ شکر خدا! اما اگر نه، ما با بحرانی نامرئی طرفیم؛ بحرانی که با واژه‌های روشنفکرانه‌ی زیبا، آذین‌بندی شده است و آن چنان زیبا می‌نمایند که آن را پذیرا می‌شویم. اما بعد از ۱۰ سال، ۲۰ سال، شاید هم ۱۰۰ سال و شاید چندین قرن رخ بنمایند. ولی چون ذاتی سرطان گونه دارد، روزی قابل‌رؤیت می‌شود که دیگر کار از کار گذشته است. آن روز مرد کهن نمی‌تواند با مدیریت جهادی هم حتی، دست به جراحی جامعه بزند. آن روز باید حسین بن علی (علیه‌السلام) به مسلخ کربلا برود تا شاید به جامعه تلنگری وارد شد. آن روز دیگر برای کار دیر است، برای عرق ریختن دیر است، برای برنامه‌ریزی دیر است، آن روز فقط خون بهترین خلق‌های خدا، تازه آن هم «شاید» کارساز شود.

حرف در سینه موج می‌زند، ولی زیاده عرضی نیست! عقلای قوم! بیدار شوید... ای خفتگان! زمستان نیست که به خواب‌رفته‌اید؛ بیدار شوید...



علی حسنی



نگاه

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت سازمان‌های دولتی

بحران را انباشت مسئله تعریف کرده‌اند. یعنی روز اول یک مسئله داریم، حلش نمی‌کنیم. روز دوم به مسئله‌ی دوم برمی‌خوریم، باز هم دست روی دست می‌گذاریم و حلش نمی‌کنیم. همین‌طور روز سوم، روز چهارم، سال پنجم... و طی روزها و ماه‌ها و سال‌ها مسائل ایجاد می‌شوند ولی حل نمی‌شوند، باقی می‌مانند و چنین می‌شود که بحران ایجاد می‌شود. ناگاه به خود می‌آییم و با کوهی از مسائل گوناگون مواجه می‌شویم که حتی فکر کردن به این حجم از مسائل، ذهن را خسته می‌کند؛ حل کردنش که کار مرد کهن است؛ مردی از تبار «آنچه نداریم».

اما باید گفت که این یک نگاه حدقلی به بحران است. بحران به همین سادگی‌ها (!) هم نیست. یعنی گاهی بحران از دست مرد کهن نیز خارج می‌شود. بحرانی که راجع به آن صحبت کردیم قابل‌رؤیت بود؛ مثل بحران آب، بحران بانکی، بحران هزینه‌های جاری دولت، بحران ساختمان‌های نامنی که توسط زلزله، آتش و ده‌ها عامل دیگر با تهدید روبرو هستند، مثل بحران جمعیت،

بحران پیری. اما گاهی بحران قابل دیدن نیست، رؤیت نمی‌شود. این تیپ از بحران‌ها به آرامی حرکت می‌کنند، ولی ریشه‌های هستند. شاید که نه، باید گفت مردم این شکل از بحران‌ها را حتی به آغوش می‌کشند! حریف را بزنم، این بحران‌ها از جنس فرهنگ هستند، همان بحرانی که ما به خاطرش دو ماه مشکی می‌پوشیم و عزا می‌گیریم. این بحران‌ها در لحظه‌ی شروع شاید کمی غمگین باشند اما آفرینندگان این سبک از بحران‌ها، بسیار راحت توجهات را به سوی دیگری سوق می‌دهند تا بالاخره روزی که خون اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) در کربلا به زمین بریزد و پرده‌های غفلت را از چشم مردمان جامعه کنار بزند. آری، حل این بحران‌ها کار مرد کهن نیست. مرد کهن نهایت می‌تواند و حاضر است که عرق بریزد، این تیپ از بحران نیازمند عرق نیست، تشنه‌ی خون است.

امروز به جامعه نگاه کنید، به حجاب، به روابط دختر و پسر، به بنیان‌های خانواده که در حال فروپاشی است. این‌ها دیده نمی‌شود چون ارزش‌های جامعه در حال تغییر است. ارزش‌ها تغییر می‌کند ولی فطرت خدایی ما

شهید خداپرست! شهیدی که به خاک حساسیت داشت

شادی نوری

دانشجوی کارشناسی ارشد پترولوژی دانشگاه تربیت مدرس



لحظه زیارت شما و عجیب دل تنگتان شد.

لطفا امشب به خواب همسرتان سری بزنید، ما قصد بدی نداشتیم ولی غم‌های همسرتان تازه شد و دلش حسابی تنگ.

راستی ایام عید است واقعا دلت می‌آید بدون عیدی از خانه تان بیرون برویم؟!

شهید خداپرست. از اینکه قبل از آمدنش رفتی و وقتی آمد از بی شما بودنش خیلی سوال کرده و الان بیا و ببین دکترای فلسفه گرفته و زندگی الحمدلله خوبی دارد.

راستی توفیق داشتیم اجازه ندهم همسرت از جایش بلند شود و خودم از میهمانانت پذیرایی کردم.

بچه‌ها زیاد عکس یادگاری گرفتند ولی لحظه آخر، دم رفتن یک قول از همسر مهربانت گرفتیم.

حاج خانم؟ به ما یاد داده‌اند و بسیار شنیده‌ایم شهید در روز قیامت جایگاه خاصی دارند و وقتی وارد محشر می‌شوند مادر و پدر و همسر و فرزند خود را شفاعت می‌کنند، بچه‌ها از ما و شما زیاد عکس گرفتند ولی می‌شود روز قیامت وقتی که در پیش همسر شهیدتان آرام گرفتید ما را فراموش نکنید و رو به شهید خداپرست بگویید عکس‌هایی که امروز پیش شما از زیارت شما ثبت کرده را رو کند و ما را نیز از خاطرش نبرد بشه؟ شهید خداپرست جان، همسرتان با کلی پیچاندن قبول کرد. به گمانم با این قول گرفتیم دلش رفت تا

خانواده‌تان بود و یک جعبه شیرینی و حاج آقا حائری شیرازی و خطبه‌ای که دلتان را برای یک عمر به هم گره بزند.

از اینکه در ماه عسلتان در پابوسی امام رئوف (علیه السلام) شهادت خواستید.

از اینکه به خاک حساسیت داشتید ولی به خاک مزار شهید در بهشت زهرا (سلام الله علیها) نه از اینکه شنیده بود هرکس از امام حسین (علیه السلام) چیزی بخواهد دست خالی بر نمی‌گردد و خداوند به شما یک امیر حسین هدیه داده.

جرت کردم جسارت خرج کنم و از او بپرسم الان که نیستید هروقت که دلش برای شما تنگ می‌شود چکار می‌کند پاسخ داد شما دلتنگی‌هایش را خوب می‌فهمی و زمانی که خیلی دلش برایتان تنگ می‌شود خودتان بی‌معتلی به خواب‌هایش سر می‌زنید.

از خوابی که قبل شهادتتان دیده بود گفت و اینکه نیت کرد صدقه بگذارد و یادش رفت و خواهرش از نیامدنتان برایش گفته از تنهایی امیرحسین هم گفت آقا خداپرست، آقای

زانوهایش را نوازش می‌دهد ولی کمی محکم به گمانم درد قدیمی را در وجودش زنده کرده باشیم.

نگاهم که به نگاهش گره می‌خورد نفسم عمیق کشیده می‌شود و او سرش را پایین می‌اندازد.

چقدر این خانه، این شمعدانی‌های قدیمی، این دیوارهای ترک خورده به نگاه او مانوس‌اند و ما مثل غریبه‌هایی بهت زده کنار پای زنی نشسته‌ایم که از سال ۲۶ دیگر بدون شما زندگی کرده و نکرده.

صدای آهنگینش رخصت نمی‌داد از چیز دیگری بپرسیم و به گمانم شما عاشق همین صدای متینش شده بودی که بین این همه دختر، او را برای خودتان خواستید و او نیز شما را برای یک عمر برای خودش.

چقدر صبورانه، چقدر شیرین، چقدر ماندنی سخن می‌گفت.

از مراسم عروسی‌تان گفت که فقط

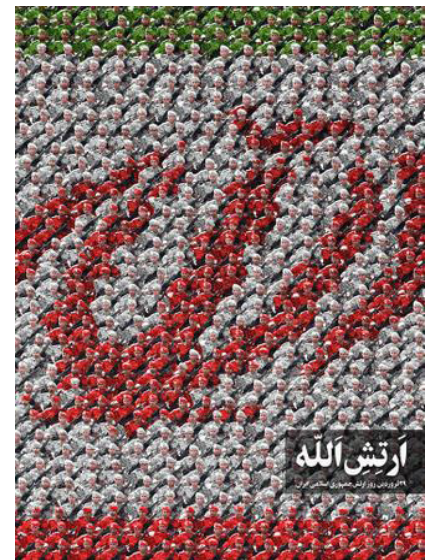
ارتش، کلمه طیبه

یادداشت

فریده گیو



دانشجوی دکترای ریاضی کاربردی دانشگاه تربیت مدرس



از نافرهای خود، قصد حرکت به طرف نیروهای ما را داشت که با تانک‌های مستقر در دره، درگیر می‌شود و باز هم این حمله ناکام می‌ماند ولی با نفوذ عواملی از دشمن در دره با شلیک موشک اس پی جی ۹، شهادت ستوان دوم محمدرضا اکبرنژاد فرماندهی وقت گروهان رقم خورد. پس از شهادت این فرمانده زنده‌یاد ازاده استواریکم عزیز زمردی مسئولیت را به عهده می‌گیرد. عراق در نیمه شب و روز بعد هم اقدام به تک نمود ولی هیچ موفقیتی کسب نکرد. بدین ترتیب بعد از سه روز نبرد بی‌امان گردان ۲۳۱ با اهداء یک شهید و سه مجروح باز هم، با اقتدار وفاداری خود را به انقلاب اثبات نمود.

این حماسه، تنها قطره‌ای از سلحشوری‌های گردان خط شکن ۲۳۱ است که در لشکرهای ۹۲ و ۸۸ زرهی ایفای خدمت می‌کرد که هم‌اینک توسط سرهنگ زرهی علیمحمد خوشنویسان بازگو شد ولی بسان خیلی از پایمردی‌های ارتشیان در صفحات گمنام و تاریخ تاریخ ایران مدفون شده است.

ارتش ایران چه در دوران انقلاب با پیوستن به مردم و بعد از آن در درگیری‌های جدایی‌طلبانه عناصر ضد انقلاب قبل از آغاز رسمی جنگ، آمادگی خود را برای پاسداری از حریم ملت و ناموس و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران به منصفی ظهور گذاشته است و گواه این مدعا، شهادت درجه دار لشکر ۹۲ زرهی خوزستان در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۵۹ است که قبل از آغاز رسمی جنگ مظلومانه و با گمنامی، جان خود را در راه ایران و اسلام فدا کرد و کسی خبردار نشد و یا به اسارت گرفته شدن خلبانی که برای حراست از مرزهای ایران بیش از ۱۸ سال رنج اسارت را تحمل کرد. ارتش در طول هشت سال جنگ نابرابر همیشه در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمن قرار داشته است و با خلوص نیت

در یکی از روزهای گرم تیرماه سال ۱۳۶۶ در منطقه‌ی سومار دشمن یعنی اقدام به یک تک نمود که هدفش تصرف ارتفاع ۴۰۲ و کهنه ریگ بود. با از دست دادن این ارتفاعات پل هفت دهنه و سه راه کاشی‌پور در تیر مستقیم دشمن قرار می‌گرفت که با عکس العمل به موقع گردان ۲۳۱ تانک از لشکر ۸۸ زرهی زاهدان به همراه دوگردان ۱۶۱ و ۷۶۵ مواجه شد. جواب هتاک‌های دشمن با آتش تانک‌های گردان ۲۳۱ داده می‌شد و همچنین یک گردان توپخانه با آتش تهیه از نیروهای عمل‌کننده پشتیبانی می‌کرد.

آتش دشمن، بوسیله کاتیوشا- توپخانه- خمپاره و تانک‌های دشمن لحظه به لحظه بر روی ارتفاع ۴۰۲ و دره‌ی سان واپا افزایش می‌یافت ولی خدمه‌ی شجاع تانک‌های گردان ۲۳۱ بدون کوچک‌ترین ترسی جواب آتش را با آتش می‌دادند. فرماندهی گردان، سرگرد رستمی وضعیت حاضر را از طریق بی‌سیم به فرماندهان قرارگاه غرب که به منطقه‌ی درگیری آمده بودند گزارش می‌کرد. من بعنوان فرماندهی گروهان، اوضاع خط را لحظه به لحظه به پاسگاه فرماندهی اعلام می‌کردم. بالاخره مقاومت نیروهای خودی کارساز شد و دشمن در منطقه‌ی مزبور، دیگر قادر به پیشروی نبود و هرگونه تحرک مذبحخانه دشمن با ناکامی مواجه شد. هنگام عصر، گزارش شد که دشمن در دره‌ی سان واپا با استفاده

آتش دشمن، بوسیله کاتیوشا- توپخانه- خمپاره و تانک‌های دشمن لحظه به لحظه بر روی ارتفاع ۴۰۲ و دره‌ی سان واپا افزایش می‌یافت ولی خدمه‌ی شجاع تانک‌های گردان ۲۳۱ بدون کوچک‌ترین ترسی جواب آتش را با آتش می‌دادند. فرماندهی گردان، سرگرد رستمی وضعیت حاضر را از طریق بی‌سیم به فرماندهان قرارگاه غرب که به منطقه‌ی درگیری آمده بودند گزارش می‌کرد. من بعنوان فرماندهی گروهان، اوضاع خط را لحظه به لحظه به پاسگاه فرماندهی اعلام می‌کردم. بالاخره مقاومت نیروهای خودی کارساز شد و دشمن در منطقه‌ی مزبور، دیگر قادر به پیشروی نبود و هرگونه تحرک مذبحخانه دشمن با ناکامی مواجه شد.

ارتش ایران چه در دوران انقلاب با پیوستن به مردم و بعد از آن در درگیری‌های جدایی‌طلبانه عناصر ضد انقلاب قبل از آغاز رسمی جنگ، آمادگی خود را برای پاسداری از حریم ملت و ناموس و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران به منصفی ظهور گذاشته است و گواه این مدعا، شهادت درجه دار لشکر ۹۲ زرهی خوزستان در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۵۹ است که قبل از آغاز رسمی جنگ مظلومانه و با گمنامی، جان خود را در راه ایران و اسلام فدا کرد و کسی خبردار نشد و یا به اسارت گرفته شدن خلبانی که برای حراست از مرزهای ایران بیش از ۱۸ سال رنج اسارت را تحمل کرد. ارتش در طول هشت سال جنگ نابرابر همیشه در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمن قرار داشته است و با خلوص نیت جانانه از آبرو و شرف ایران در زمین و دریا و آسمان دفاع کرده است و از این جهت در پیشگاه باری تعالی رو سفید و سرفراز است.

بدون هیچ توقعی جانانه از آبرو و شرف ایران و ایرانی در زمین و دریا و آسمان دفاع کرده است و از این جهت در پیشگاه باری تعالی رو سفید و سرفراز است. فعل بسیار خنده‌داری است که فردی بخواهد، خدمات خالصانه‌ای که ارتش برای این مملکت متقبل شده است را در چند جمله بنویسد چرا که باید کتاب‌ها در این مورد نوشت و اینجاست که باید طومارها نوشت از ایثار دلاور مردان ارتشی در قبال آن همه جانفشانی بی‌شایبه‌ای که متحمل شدند و امام خمینی به حق ارتش را کلمه طیبه نامید



با تشکر از روابط عمومی دانشگاه
مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های
نویسندگان است.
چشمه در چکیده‌سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.

@cheshmehdaneeshjoo

دانشگاه تربیت مدرس

دوهفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سر دبیر و دبیر تحریریه: دکتر حمید مطهری
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت



سال پنجم، شماره چهل و دوم نیمه دوم فروردین ۱۳۹۶، آوریل ۲۰۱۷

به مناسبت روز ملی فناوری هسته ای

فناوری هسته ای یا فناوری موشکی؟!

نفوذ فکری، برگ برنده جنگ دوم جهانی

حمید مطهری



متخصص فیزیک اتمی

نکته‌ی جالب‌تر آنکه در صورتی که کشوری به این سلاح دست یابد عملاً کار، تمام شده است و دیگر این اعضای شورای امنیت هیچ گزینه‌ی برتری جویی برای اعمال نظر خود نخواهند داشت و گزینه‌ی جنگ از روی میز آن‌ها برداشته می‌شود و بیشتر به تهدید بسنده می‌نمایند. اکنون به‌جز آمریکا، شوروی، انگلیس، فرانسه و چین که اعضای دائم شورای امنیت خودساخته؟! و دارای حق وتو و فاتحان جنگ دوم جهانی بودند که همگی سلاح هسته‌ای دارند، تنها هند و پاکستان و کره‌ی شمالی به‌طور رسمی دارای سلاح هسته‌ای هستند.

طولانی مدت توانستند با اختلاف زمانی کمتر از چند ماه به آزمایش سلاح اتمی دست‌زده و جزو کشورهای دارای سلاح اتمی قلمداد شوند اما اعضای دائم شورای امنیت که همان فاتحان جنگ جهانی دوم بودند به هیچ کشور دیگری اجازه ندادند که به این سلاح بازدارنده دست یابد تا بتوانند همواره بر جهان حکومت کنند و امیال خود را دیکته نمایند. نکته‌ی جالب‌تر آنکه در صورتی که کشوری به این سلاح دست یابد عملاً کار، تمام شده است و دیگر این اعضای شورای امنیت هیچ گزینه‌ی برتری جویی برای اعمال نظر خود نخواهند داشت و گزینه‌ی جنگ از روی میز آن‌ها برداشته می‌شود و بیشتر به تهدید بسنده می‌نمایند. اکنون به‌جز آمریکا، شوروی، انگلیس، فرانسه و چین که اعضای دائم شورای امنیت خودساخته؟! و دارای حق وتو و فاتحان جنگ دوم جهانی بودند که همگی سلاح هسته‌ای دارند، تنها هند و پاکستان و کره‌ی شمالی به‌طور رسمی دارای سلاح هسته‌ای هستند.

مناسب موجب فرار بخشی از دانشمندان آلمانی به سوی آمریکا شد. آمریکایی‌ها حتی در توطئه‌های فریبنده‌ای، نظامیان آلمانی را متقاعد کردند که بهتر است به سرعت بر روی فناوری موشک فعالیت کنند که سریع جواب می‌دهد. این فناوری عملاً برای آمریکا خطر چندانی را در پی نداشت در حالی که لندن به شدت با موشک‌های آلمانی مورد اصابت قرار گرفت. اما در تمام این مدت آمریکا با تمام توان در حال ساخت بمب اتمی بود، سلاحی که قادر به تغییر سرنوشت تمامی جنگ‌ها بود. این سلاح و کشور دارای آن، هیچ رقیبی نداشت و هر کس این سلاح را در دست داشت قطعاً پیروز هر جنگی بود همان‌طور که آمریکا توانست فاتح ژاپن و جنگ جهانی دوم گردد. پس از این دوره، اغلب دانشمندان آلمانی مؤثر در برنامه موشکی هیتلر یا کشته شدند و یا با وعده‌های عالی به آمریکا مهاجرت کردند و دقیقاً همان افراد پایه‌گذار فناوری موشکی برای آمریکا گشتند تا جایی که آپولو ۱۱ پابه‌ماه گذاشت. به عبارتی آلمانی‌های مهاجرت کرده به آمریکا، باعث شکست آلمان تا حد زیادی شدند در حالی که حاضر به انجام همان برنامه‌ها برای هیتلر نبودند. پس از اتمام جنگ جهانی، اوپنهاইمر در آمریکا از ادامه‌ی پروژه منتهن کناره‌گیری نمود و فیزیکدان همکار وی ادوارد تله، کار را ادامه داد و از طرفی سایر کشورهای فاتح جنگ، به سرعت بمب اتمی خود را ساختند اما از آنجا که این سلاح برگ برنده هر کشوری بود که آن را داشت، اجازه ساخت به سایر کشورها از جمله شکست خورده‌های جنگ جهانی را ندادند که هنوز هم پس از حدود ۷۲ سال از پایان جنگ جهانی دوم، همچنان کشورهای شکست خورده همچون ژاپن، آلمان و ایتالیا دارای بمب اتمی نیستند. هر چند که پاکستان و هند در یک رقابت فوق سری و

در سال‌های جنگ جهانی دوم، آلمان به شدت در پی سلاح‌های جدید مبتنی بر علم فیزیکدانان خود بود چرا که یکسال قبل از آغاز جنگ جهانی در سال ۱۹۳۸ اتو هان، فیزیکدان آلمانی به جرقه‌های اولیه امکان تولید سلاح هسته‌ای دست یافته بود. به خصوص هایزنبرگ به عنوان یک فیزیکدان نابغه بر روی طرح این سلاح، فعالیت می‌کرد که اعجاب‌آورترین سلاحی بود که بعدها بمب اتمی نام گرفت. به‌طور همزمان ایالات متحده نیز در پی دستیابی به همین نوع سلاح بود و از نامه فیزیکدان آلمانی یعنی انیشتین به رئیس‌جمهور وقت آمریکا -روزولت- متوجه ارزش و اهمیت این سلاح گردیدند و روزولت دستور آغاز پروژه‌ی ساخت بمب اتمی در قالب پروژه منتهن را در ایالات متحده صادر کرد و اوپنهاইمر فیزیکدان که اصالتاً آلمانی بود به همراه فرمی فیزیکدان، که وی نیز اصالتاً ایتالیایی بود پدران اصلی بمب اتمی لقب گرفتند. اما در این رقابت که هرکسی زودتر به نتیجه می‌رسید، کار رقیب تمام شده محسوب می‌شد، کارهای دیگری هم باید به موازات تلاش علمی و نظامی انجام می‌شد. در رقابتی بسیار عجیب و پرماجرا، آمریکا به کمک دانشمندانش که صاحب نفوذ فکری بر فیزیکدانان آلمانی بودند و با جانی قلمداد نمودن هیتلر -که پس از حملات هیروشیما و ناکازاکی معلوم شد دولت وقت آمریکا از هیتلر نیز جانی‌تر بود- توانست دانشمندان آلمانی خصوصاً شخص هایزنبرگ را و وی نیز نظامیان آلمانی را متقاعد نماید که چنین سلاحی، عملیاتی و ممکن نیست و اگر باشد به‌زودی به دست نخواهد آمد و هیتلر بازنده‌ی جنگ جهانی خواهد شد. این نفوذ فکری به همراه بسترسازی

